

نبردهای آینده و واکنش ایالات متحده آمریکا*

باری اسکینر و ویکتور بادورا مترجم: فرامرز میرزاآزاد

مجله مطالعات راهبردی • سال چهارم • شماره چهارم • زمستان ۱۳۸۰ • شماره مسلسل ۱۲

مقدمه

سران نظامی ایالات متحده درباره تهدیداتی که در آینده با آن مواجه خواهند شد و نوع راهبردها و قابلیت‌هایی که برای پیروزی در جنگ‌های آینده باید داشته باشند چه تصویری دارند؟ چگونه ممکن است نگرش رسمی ایالات متحده با استراتژی‌های غیرمعارف متخذه مخالفان منطقه‌ای رویارو شود؟ ایالات متحده چگونه می‌تواند با استراتژی‌های رقیب در جنگ‌های آینده مقابله کند؟

الف. دیدگاه رسمی ایالات متحده

استراتژی کلان ایالات متحده را می‌توان از اسناد منتشر شده در دوره ریاست جمهوری کلینتون به دست آورد که عبارت است از استراتژی درگیری و گسترش آن.^(۱) در این گزارش‌های رسمی، ایالات متحده آمادگی خود را برای مقابله با انواع مختلف خطرات و تهدیدات زیر اعلام کرده است:

- منازعات بزرگ منطقه‌ای^۱
- فعالیتهای سازمانهای تروریستی و تروریسم دولتی بین‌المللی^۲

* Source: Sharyl Cross et al, Global Security; Beyond The Millennium, London: Macmillan Press, 1999, pp. 206 - 226.

1- Mayor Regional Conflicts (MRCs)

2- State - Sponsors of International Terrorism.

● تکثیر سلاحهای هسته‌ای، میکربی، شیمیایی^۱ و ابزار پرتاب آنها^(۲)

دشمنانی که ایالات متحده ممکن است در منازعات آینده با آنها درگیر شود چه کسانی هستند؟ ایالات متحده هیچ فهرستی از دشمنان رسمی ندارد. چنین رقبایی را خود آمریکاییها گزینش خواهند کرد. آنها دارای علائم شناسایی خاصی هستند: اولاً، احتمال دارد از رژیمهای افراطی باشند که خودشان را دشمن علنی یا یکی از متحدان اصلی ایالات متحده اعلام می‌کنند. ثانیاً ممکن است حامی سازمانهای تروریستی بین‌المللی شناخته شوند. ثالثاً احتمال دارد دارای بیشترین سابقه تجاوز در منطقه جغرافیایی خود باشند. رابعاً مجهز به سلاحهای هسته‌ای، بیولوژیکی و شیمیایی و ابزار به کارگیری چنین سلاحهای کشتار جمعی باشند. اگر چنین ملاکهایی مطرح باشد رقبای بالقوه معدودی وجود دارد که ایالات متحده ممکن است با آنها رو در رو شود: عراق، ایران، سوریه، لیبی و کره شمالی، همچنین اگر به بیانات برخی از سران نظامی و نخبگان سیاست خارجی چین دقت شوند، ممکن است چین نیز واجد شرایط بالا باشد. با این وجود به نظر می‌رسد که به طور کلی روابط آمریکا با چین از دهه ۱۹۹۰ در حال بهبود است.

آیا روسیه و دیگر کشورهای تازه استقلال یافته شوروی سابق با وضعیت فوق منطبق هستند؟ از سال ۱۹۹۱ روابط ۱۵ کشور تازه استقلال یافته و ایالات متحده به طرز چشمگیری بهبود یافته و هم‌اکنون روابط دوستانه‌ای بین طرفین حاکم است. دیدگاه رسمی ایالات متحده این است که دولتهای مذکور دوستان و شرکای تجاری آینده ایالات متحده‌اند و با آنها دوستانه رفتار خواهد شد، مگر این که حوادث طور دیگری رقم بخورد. اما هیچ یک از رهبران ایالات متحده نمی‌توانند از خصومت اخیر دوره جنگ سرد غافل باشند، زمانی که اتحاد شوروی و هم‌پیمانانش در پیمان ورشو، آزادیها و زندگی مردم ایالات متحده و غرب را با تهدید جدی مواجه ساختند، جرقه‌ای کرجیک می‌توانست هم شرق و هم غرب را در عرض کمتر از یک روز در یک قتل عام هسته‌ای نابود کند. علیرغم موفقیت پیمان کاهش سلاحهای استراتژیک (استارت ۱)^۲ و فشارهای اقتصادی در کاهش تسلیحات و با وجود انضای چند جانبه پیمان سلاحهای شیمیایی بیولوژیکی و توافق ابرقدرتها برای معاضدت در برنامه‌های کاهش تهدید بر اساس همکاری، دو طرف همچنان در سایه سلاحهای هسته‌ای کار می‌کنند.

وحشت سران ایالات متحده از این است که با تغییر اساسی در کادر رهبری روسیه، تسلیحات استراتژیک در اختیار کسانی قرار گیرد که حسن نیت کمتری داشته باشند. سران ایالات متحده از بازگشت مجدد جنگ افزارهای هسته‌ای روسیه به قصد هدف‌گیری آمریکای شمالی در هراسند. به

1- Nuclear, biological and chemical (NBC) Weapons.

2- Strategic Arms Reduction

همین خاطر، سران ایالات متحده از کنار گذاشتن نیروهای یازدارنده هسته‌ای خود بدون اقدام دوجانبه اکراه دارند. آمریکاییها پیش از آن که تهدیدها موجب تنش دوجانبه (روسیه و آمریکا) شود، خواهان کاهش تهدیدهای هسته‌ای، از طریق مذاکرات (استارت ۱ و ۲ و بعد از آن) هستند. برنامه گسترش درگیری به مثابه راهبرد امنیت ملی ایالات متحده بیانگر این است که ارتش ایالات متحده باید در وضعیتی قرار گیرد که آماده مبارزه و پیروزی در دو «منزاعه بزرگ منطقه‌ای» تقریباً همزمان باشد؛ (۳) مثلاً ارتش ایالات متحده باید عملیات طوفان صحرا را، اگر نیروهای صدام حسین بار دیگر قصد پیشروی به طرف کویت و یا عربستان سعودی را داشته باشند، اجرا کند و همزمان به دفع و طرد ارتش کره شمالی اگر به منطقه غیرنظامی^۱ حائل دو کره حمله کنند، بپردازد.

کوتاهی در انجام مأموریت در دو منازعه بزرگ منطقه‌ای، نمایانگر کاستیهایی در توان ایالات متحده در پرداختن به این استراتژی کلان، به ویژه در بخش حمایت لجستیکی می‌باشد. طرح دو منازعه بزرگ منطقه‌ای با موانعی جدی مواجه است. منازعه بزرگ منطقه‌ای مستلزم سرعت عمل و نیروی نظامی زیاد است. اما کاهش ۴۰ درصدی در کل ساختار نظامی آمریکا و نیز کاهش ۳۲ درصدی در تعداد پرسنل نظامی که پس از جنگ سرد صورت گرفت، عملیات فوق را بسیار پیچیده کرده است. (۴)

ایالات متحده به خاطر پایبندی به تعهدات گسترده‌اش فقط در پایگاههای هوایی خارج از آمریکا، حدود ۸۰/۰۰۰ نفر نیرو دارد. (۵) این افراد به کارهای مختلفی گماشته می‌شوند. در سالهای مالی ۱۹۹۶ و ۱۹۹۷ پرسنل ارتش ایالات متحده به جای جنگ، در کارهای بشردوستانه و سایر مأموریتهای نظامی در بوسنی، آلمان، مقدونیه، هائیتی، پاناما، ژاپن، آلبانی، لیبیا، مغولستان، زئیر، رواندا و جاهای دیگر به کار گرفته شدند.

هواپیماهای نظامی ایالات متحده بر فراز آسمان عراق، بین مدارهای شمالی و جنوبی (۶) گشت می‌زنند و متخصصان نظامی ایالات متحده از کمسیون ویژه سازمان ملل^۲ و بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای^۳ که در پی کشف و خنثی‌سازی برنامه‌های هسته‌ای، بیولوژیکی، شیمیایی و موشکی هستند، حمایت و [با آن] همکاری می‌کنند. تا جولای ۱۹۹۷ تقریباً ۶۰۰ تن از بازرسان سازمان ملل در خاک عراق به سر می‌بردند.

بخشی از پرسنل نظامی ایالات متحده در اقدام برضد قاچاق مواد مخدر، به ویژه در مناطق جنوبی و مرکزی آمریکا شرکت کرده‌اند. همچنین مقدار زیادی از امکانات ترابری ایالات متحده

1- Demilitarized Zone (MDZ)

2- UN Special Commission (unscom)

3- International Atomic Energy Agency

به ویژه امکانات حمل و نقل هوایی ایالات متحده، بیشتر روزهای سال در انتقال تجهیزات، تدارکات و شخصیت‌های بین‌المللی به و از منطقه‌ای که اقدامات صلح‌آمیز سازمان ملل در آن انجام می‌گیرد، اختصاص یافته است. در سال ۱۹۹۶، حدود ۲۰ مأموریت از طرف سازمان ملل در قاره‌های مختلف به اجرا درآمد.

چنین مسؤلیت‌های گسترده‌ای، نیروها و منابع ایالات متحده را از آمادگی برای انجام وظیفه اصلی‌شان و در مبارزه و پیروزی در منازعات بزرگ دوگانه منطقه‌ای تقریباً همزمان، بازمی‌دارد. مبارزه و پیروزی در چنین منازعات متداخل دوگانه، برای ایالات متحده چه پیامدی خواهد داشت؟ صراحتاً این امر بستگی مستقیم به توانیها، استراتژی و سلاح‌هایی دارد که دولتها و گروه‌های متخاصم به کار می‌گیرند. رییس ستاد مشترک آمریکا، طرح گسترش ۲۰۱۰ (JV2010) (۷) را برای تدارک چارچوب جهانی نبردهای آینده و هدایت نیروهای مسلح ایالات متحده و برنامه‌ریزی جهت اکتساب توانایی انجام عملیات چهارگانه را ارایه کرده است. اجزای این طرح عبارتند از: برنامه‌ریزی دقیق، تدبیر و اقدام فرادستانه، لجستیک متمرکز و حفاظت همه جانبه از نیروها و امکانات. توجه داشته باشید که برنامه ۲۰۱۰ (JV 2010) فی‌نفسه یک استراتژی نیست، بلکه مجموعه توانی‌هایی است که رییس کادر رهبری و ستاد مشترک^۱ آمریکا به منابه ضرورتی جهت به دست آوردن نتایج بیشتر یا به بیان JV2010 «تسلط همه جانبه»^۲ در عصر آتی طراحی می‌کند. (۸) همه نیروهای نظامی ایالات متحده اعم از ارتش، ناوبری، نیروی دریایی و نیروی هوایی برای حمایت از این طرح باید به وظیفه خود عمل کنند؛ در این زمینه نیروی هوایی ایالات متحده بر لزوم توسعه، توانایی ششگانه زیر تأکید می‌کند:

- تفوق هوایی و فضایی
- تفوق اطلاعاتی
- حمله جهانی^۳
- هدف‌گیری دقیق و منسجم
- هماهنگی سریع در سطح جهانی
- حمایت آبی در نبرد (۹)

اختیارات اصلی نیروهای هوایی ایالات متحده در دست فرماندهان جنگ می‌بایست تا استراتژی مورد نیاز صحنه جنگ و تلقی خود از طرح‌های عملیاتی^۴ را توسعه دهند. فرماندهان محلی، ملهم از ایده‌های برنامه جامع ۲۰۱۰ هستند و نیروی هوایی ارتش آنها را در دستیابی به

1- Joint Staff

2- Full spectrum dominance

3- Gobar attack

4- Concepts Of Operations Plans (CONPLAN)

تواناییهای تعبیه شده در برنامه جامع ۲۰۱۰، اقدام فرادستانه، برنامه‌ریزی دقیق، حمایت همه‌جانبه و لجستیک متمرکز حمایت خواهد کرد. این تواناییها و امکانات، تمهیدی برای یک استراتژی و برنامه عملیاتی عالی است که به منظور به زانو در آوردن نیروهای دشمن تأمین اهداف جنگی ایالات متحده و متحدانش در منازعات آینده طراحی شده است.

بدیهی است که نیروی هوایی ایالات متحده و رییس ستاد مشترک، هر دو به این ایده معتقدند که انقلابی در امور نظامی در حال وقوع است. هر دو مقام بر دستیابی به تفوق اطلاعاتی تأکید دارند و هر دو طرفدار عملیات از فضا، به مثابه ابزار دستیابی به افزایش توان، نظارت و شناسایی هستند. هر دو معتقد به چابکی در میدان نبردند و بر اهمیت دقت در هدف‌گیری و آرایش نیروها در مقابل نیروهای دشمن و تجهیزاتشان تأکید می‌کنند. این شاخصه‌ها در مجموع همان چیزی است که تحلیلگران ایالات متحده می‌گویند که در امور نظامی، انقلابی پدید خواهد آورد و نهایتاً موجب توان نظامی در آینده‌ای غیرقابل پیش‌بینی است.

قابل توجه است که هر یک از نیروهای مسلح ایالات متحده، ممکن است با وجود حمایت از برنامه ۲۰۱۰، جداگانه دارای تصورات و آموزه‌های متفاوت مبارزه در جنگهای آینده باشند. علاوه بر این، هیچ یک از اعضای نیروهای مسلح به تنهایی متصدی راهبرد نظامی آتی ایالات متحده نیستند. هر چند که به فرماندهان منطقه‌ای از قبیل سرفرماندهی ایالات متحده در منطقه پاسیفیک در جنگ کره، یا سرفرماندهی مرکزی ایالات متحده در منطقه خلیج فارس اختیاراتی واگذار شده است، اما در نهایت، این دستور ریاست جمهوری آمریکا است که می‌تواند استراتژی عملیاتی را تأیید یا نفی کند.

بنابراین، برنامه جامع ۲۰۱۰ را باید سرفرماندهان درگیر جنگ در قالب یک واقعیت استراتژیک اجرا کنند و اگر به اقتضای وضعیت، دیدگاه متضادی اتخاذ شود، ممکن است این برنامه جامع اجرا نشود. برنامه جامع ۲۰۱۰ در سطحی گسترده قابل درک است و می‌تواند به طرق مختلف به اجرا درآید. این دیدگاه قابلیت تفسیر گوناگونی دارد و می‌توان در مواردی چون چگونگی اقدام، حمایت‌های متمرکز، برنامه‌ریزی دقیق، ترفندهای فرادستانه و حمایت همه‌جانبه به شیوه‌های مختلفی اندیشید و وارد عمل شد.

گزارش دیدگاه رییس ستاد مشترک در مورد تواناییها و امکانات مورد نیاز ایالات متحده در سال ۲۰۱۰، به نحوی متناسب با گزارش استراتژی کلان ریاست جمهوری است. به طور کلی نگرانی اساسی در آینده این است که رقیب بزرگ منطقه‌ای، منافع شهروندان و یا متحدان ایالات متحده را تهدید می‌کند. به هر حال این برداشت در مقایسه سایر خطرات ذکر شده در گزارش ریاست جمهوری مانند تکثیر سلاحهای هسته‌ای، بیولوژیکی و شیمیایی و تهدیدات تروریستی و

آن چه طرح‌های نظامی ایالات متحده در واکنش نسبت به آنها طراحی می‌شود، نافص است. البته این نکته را باید اضافه کرد که برنامه ۲۰۱۰ در واکنش به منازعه بزرگ منطقه‌ای دیدگاهی ارتجاعی است نه پیشرفته؛ برنامه جامع ۲۰۱۰ علیرغم هشدارهای متعدد تاریخی منبئی بر ضرورت آمادگی در جنگ آینده به جای تلاش در بررسی جنگی که گذشته و سپری شده است، بیشتر ابزاری برای مبارزه مجدد در طوفان صحراست تا روشی جهت مواجهه با استراتژیهای غیرمتعارف آینده.

در جریان جنگ خلیج فارس که هدفهای مورد نظر از طریق سکوه‌های پرتاب از دور، مورد اصابت قرار گرفت، اهمیت موضوع «برنامه‌ریزی دقیق» مشخص شد.

هدف برنامه ۲۰۱۰ در خصوص «توان اقدام فراستانه» خواسته‌ای جهت به دست آوردن توانایی حمله از جناحین، شبیه حمله غیرمنتظره گازنبری از چپ می‌باشد که نیروی زمینی ژنرال شوآرتزکف علیه نیروهای صدام در طوفان صحرا اجرا کرد. بدیهی است که نیروهای آمریکا با مخالفی همچون صدام و یا مخالف غیرآماده برای مقابله با چنین حمله‌ای، مواجه خواهند شد. در ضمن نمی‌توان از یاد برد که امکان دارد اقدام به حمله در آینده، از طریق ماهواره‌های رقیب یا وسایل هوایی بدون سرنشین^۱ یا هوایم‌ای جاسوسی، پیش‌بینی و شناسایی گردد. ممکن است چنین حملاتی با رگبار سلاحهای شیمیایی هسته‌ای و بیولوژیکی متوقف شود. ممکن است دشمن در منازعات آینده از طریق ایجاد حاشیه‌ی امنی، اقدام به حفاظت اطراف و پیرامونش نماید. امکان دارد این مناطق برای ممانعت از ورود نیروهای ایالات متحده به آن، با مواد رادیولوژیکی و شیمیایی یا بیولوژیکی تله‌گذاری شده باشد.

برنامه جامع ۲۰۱۰ به خاطر ضرورت توجه به «حفاظت همه جانبه» در جنگهای آینده، هوشمندانه طراحی شده است، لیکن دستیابی به آن اهداف دشوار می‌باشد. به هر حال احتمال دارد رقیب آینده به ابزار بدفاندی موثر دست یابد و به نیروهای آمریکا یا متحدان آن، خسارت جبران ناپذیری بیار آورد.

در حال حاضر پدافند فعال و غیرفعال ایالات متحده و متحدان برای مواجهه با سلاحهای هسته‌ای بیولوژیکی و شیمیایی مستقر در موشکهای بالستیک و کروز و دیگر سکوه‌های پرتاب دشمن - اگر استفاده از چنین سلاحهایی ممنوع نباشد - بسیار ناکارا و ضعیف است. امکان دارد وسایل ارتباطی ارتش ایالات متحده از طرف رقبای ماهر در جنگ اطلاعاتی^۲ دچار اختلال و تلاشی اساسی شود. احتمال دارد رقیب آینده قادر به اختلال یا تخریب اساسی در پخش و انتقال

ماهواره‌ای ایالات متحده باشد. امکانات جنگ اطلاعاتی دشمن آینده ممکن است آن را قادر به متلاشی کردن نیروهای زمینی، دریایی و هوایی متحدین مجهز به فن‌آوری پیشرفته نماید. این احتمال را نباید از نظر دور داشت که ممکن است برخی از رقبای آینده، استفاده از سلاحهای متعارف در قبال ابرقدرت موجود و متحدانش را احتمانه بدانند؛ همچنین احتمال دارد رقبا استراتژیهای غیرمتعارفی همچون استفاده از سلاحهای هسته‌ای، بیولوژیکی و شیمیایی یا جنگ اطلاعاتی را در پیش گیرند.

به طور کلی برنامه جامع ۲۰۱۰، به درستی ضرورت پشتیبانی متمرکز در منازعات آینده را برجسته کرده است. با اذعان به این که «طوفان صحرا» احتمالاً اشتهای تاریخی بود و هرگز دوباره رقیب دیگری آن را تکرار نخواهد کرد. همیشه این احتمال وجود ندارد که بخت یار ایالات متحده باشد. امکان ندارد که دشمن قبل از شروع جنگ، شش ماه فرصت مداوم به ایالات متحده و متحدانش بدهد. چنین چیزی دیگر میسر نیست که آمریکا در همه جا نیرو ذخیره کند و با خیال راحت، آنها را به نزدیکی میدان نبرد منتقل نماید؛ جنگ خلیج (فارس) از این جهت یک استثناء بود.

به هر حال آن چه نویسندگان طرح جامع ۲۰۱۰ مشخص نمی‌کنند، چگونگی دریافت نیروهای کمکی، تدارکات و تجهیزات برای پیروزی در میدان جنگ در مقابل مهاجمی است که تا پای نابودی مقاومت کند. در حال حاضر ناوگان دریایی و هوایی ایالات متحده برای انتقال سریع صدها هزار سرباز و سلاحهای آنها، تجهیزات و تدارکات قابل استفاده در سطحی مناسب، کفایت نمی‌کند. هفته‌ها یا حتی ماهها طول می‌کشد تا مقدار زیادی از واحدهای پشتیبانی، از ایالات متحده بوی، به منطقه نبرد برسد تا مهاجم را مهار کند. اگر رقیب مانند ارتش عراق در ۹۱-۱۹۹۰ تعلل نکند، معضل پیش می‌آید؛ همچنین این احتمال وجود ندارد که دشمن آینده به ایالات متحده و متحدانش اجازه ورود آزادانه به پایگاههای دریایی و هوایی اش را بدهد.

از این گذشته، برنامه جامع ۲۰۱۰، تهدید علیه ایالات متحده را مانند یک مهاجم منطقه‌ای می‌داند که در جنگهای گسترده با نیروهای متحد درگیر می‌شوند. در صورتی که امکان دارد دشمن به مبارزه در چنین میدانی که نیروهای سنتی و متعارف در مقابل هم قرار گرفته‌اند دست نزنند. در عوض، دشمنی که از قدرت آتش ایالات متحده، چنان که در جنگ خلیج فارس به اجرا درآمد، هراس دارد ممکن است دست به استراتژی غیرمتعارفی بزند و با نیروها و سلاحهای نیرومندی بخش خاصی از آسیب‌پذیری ایالات متحده را به مبارزه فراخواند. از این رو می‌توان نتیجه گرفت که دشمنان آینده آمریکا، راه‌حلهای غیرمتعارف را انتخاب خواهند کرد.

ب. استراتژیهای غیرمتعارف دشمن آینده؛ تهدیدها و واکنشها
چند استراتژی غیرمتعارف وجود دارد که ممکن است رقبای منطقه‌ای در مبارزات آینده خود با ایالات متحده در پیش گیرند:

- جنگ کم شدت
- تروریسم دولتی
- به کارگیری سلاحهای هسته‌ای، بیولوژیکی و شیمیایی در میدان نبرد
- جنگ اطلاعاتی
- تخریب تأسیسات و امکانات فضایی^۱

۱. جنگ کم شدت

جنگ کم شدت، یکی از انواع استراتژیهای غیرمتعارف است. ویت کنگها با استفاده از این استراتژی، ضربات جدی به آمریکا وارد آورد. تا حدی که ایالات متحده با مخالفت فزاینده ضدجنگ در داخل کشور مواجه شد. در نهایت، این جنگ که بدون پشتیبانی مردمی صورت گرفت، با پیروزی ناچیز ایالات متحده خاتمه یافت چرا که ایالات متحده حمایت مردم، کنگره، رسانه‌ها و حتی برخی از سران آمریکا را از دست داده بود. این اولین جنگ آمریکایی بود که از طریق تلویزیون پخش می‌شد و در آن آمریکاییها مجبور به عقب‌نشینی بودند چرا که جنگ را در درون خانه می‌باختند. طریقه شکست دادن یک ابرقدرت، تحمیل شکست سیاسی بر آن در جبهه داخلی است حتی اگر پیروزی کامل در میدان نبرد نظامی بدست نیاید.

مائوسه تونگ یکی از باورمندان به این روش، به استفاده از هوش سرشار، تحرک و فنون جهت نابودی نیروی برتر دشمن معتقد بود. نیروهای وی برای غلبه بر قلوب و اذهان مردم به منظور حمایت از وی در یک جنگ طولی‌المدت و فرسایشی، دست به نبرد سیاسی زدند. او می‌گوید: «موضع استراتژیک من یک نفر در برابر ۱۰ نفر ولی تاکتیکم به میدان فرستادن ۱۰ نفر در قبال یک نفر می‌باشد.» وی معتقد است: «رابطه چریکها با مردم، به مثابه رابطه ماهی و دریا است.» او با حمایت مردم دارای منبعی سرشار از نیروهای تازه‌نفس، اطلاعات، تدارکات و پناهگاه بود.

نیروهای مائو در جنگ طولانی خود با افراد کومینگ تانگ - از هواداران چیانگ کای شیک - برای مدتی سرزمینها را به دشمن واگذار می‌کردند تا مجدداً سازماندهی شوند. پیشروی معتمد به

داخل چین مستلزم وقت و نیروی تازه نفس بود؛ جایی که مائو پیروزی به دست می‌آورد هر چند که در مجموع پیروزی کاملی نبود، اما با استفاده از همین پیروزیهای موضعی، آرام‌آرام به تعداد نفرات مائو افزوده می‌شد و از نیروهای رقیب به تدریج کاسته می‌شد. وقتی که مائو پیروزیهای در چین به دست آورد موفق شد جنگ چریکی را به جنگ متعارف تغییر دهد. نیروهای کومینگ تانگ مجبور به ترک خاک چین شده و در سال ۱۹۴۷ به سوی تایوان عقب رانده شدند.

مائو در مواجهه با تفوق تسلیحاتی و تعداد نفرات سنتی رقیب، از یک رهیافت غیرمتعارف استفاده کرد. سرانجام استراتژی چریکی مائو، روند جنگ داخلی چین را عوض کرد و دشمن را از پای درآورده و منجر به پیروزی و کنترل بر سرزمینی شد که جمعیت آن بیش از چهار برابر جمعیت آمریکا است و بیشترین تعداد جمعیت جهان را با وسعتی تقریباً به اندازه ایالات متحده داراست.

مناطق متعددی در جهان وجود دارد که ممکن است چنین جنگهای کم شدت و پر دردسر را علیه ایالات متحده بپا کنند. اگر رقیبی، استراتژی و تاکتیک چریکی اتخاذ کند و از رهبری مصمم به پیروزی و حمایت مردمی برخوردار باشد و امکان توفیق نیز خواهد داشت. عامل دیگر مساعد برای مبارزه چریکی، وجود زمینی با پستی و بلندی و یا جنگلی است که امکان استتار را ممکن می‌سازد. اگر رقیب خوش اقبال در جایی که منافع حیاتی ایالات متحده اجازه درگیری ندهد قرار گیرد، مبارزه کم شدت تسهیل می‌گردد. تاکتیکهای چریکی، در جایی که سود ناشی از پیروزی بیشتر از هزینه تلفات نیست، قابل اجراست. منازعات کم شدت یکی از استراتژیهای غیرمتعارفی است که کشور یا گروه ضعیفی برای خنثی سازی برتری جنگی متعارف دولت یا ائتلافی قوی تر به کار می‌گیرند.

برنامه جامع ۲۰۱۰، با تأکیدی که بر فن‌آوری پیشرفته در حل منازعات آینده دارد، در چگونگی مبارزه مجدد با نمونه‌های مانند ویتنام یا هر منازعه چریکی دیگر سکوت اختیار می‌کند. همچنین امکان دارد نیروهای سازمان ملل و ایالات متحده زمانی که عملیات نظامی را رهبری می‌کنند حتی بدون ورود به درگیری، گرفتار مخمصه‌ای از نوع جنگ کم‌شدت داخلی شوند. (۱۰)

بنابراین برای ارتش ایالات متحده تمرین‌ها خواهد بود که درآموزه‌ها، تربیت، فراگیری، استراتژی و برنامه‌هایش، ضرورت آمادگی مبارزه در جنگ ضد چریکی به ویژه در محیط شهری (همانند ساریو و موگادیشو، بیروت و شهر کویت) تأکید بیشتری کند.

۲. تروریسم دولتی

یکی دیگر از تهدیدهای امنیت ملی ایالات متحده که برنامه جامع ۲۰۱۰ از توجه بدان بازمانده است موضوع تروریسم مستقل یا دولتی می‌باشد. تروریسم دولتی خطری است که عمدتاً

روشنفکران ممتاز و گروه‌های کوچک نخبگان، به جای قشونهای زمینی، نیروی هوایی یا ناوگان دریایی ایالات متحده با آن مواجهند.

در عصری که عوامل بیولوژیکی، شیمیایی و سلاح در دسترس تروریستهای حرفه‌ای باشد باید بیش از پیش از تروریسم در هراس باشیم. ممکن است ایالات متحده با دشمن منطقه‌ای که احتمال استفاده از عوامل تروریستی، شیمیایی و بیولوژیکی خود به منظور وارد کردن خسارت عمده به آمریکا یا شهرهای متحدین آن را دارند، مقابله کند. دور از انتظار نیست که استفاده از سلاحهای هسته‌ای، بیولوژیکی و شیمیایی برای تضعیف عزم مردم ایالات متحده و متحدان او در منازعه منطقه‌ای به کار گرفته شود.

ترس استفاده از سلاحهای غیرمتعارف، ممکن است نتیجه معکوس داشته باشد، همانطور که مردم آمریکا و متحدان به خاطر از دست دادن شهروندانشان خواهان مجازات تروریستها هستند. [در این میانه] امکان دارد تروریسم دولتی خشم و غضب مردم ایالات متحده را در پی آورد. [به گونه‌ای که] اگر تروریستها به نیویورک، واشنگتن، لندن، پاریس یا دیگر مراکز اصلی ایالات متحده یا هم‌پیمانانش را هدف حملات شیمیایی و بیولوژیکی قرار دهند، مردم خواستار گسترش ارتش خواهند شد.

وزارت دفاع ایالات متحده هم در اقدامات ضدتروریستی و اقدام تدافعی به منظور کاهش آسیب‌پذیری افراد و امکانات در عملیات تروریستی و هم در «مقابله با تروریسم» (اقدام تهاجمی در حفاظت، ممانعت و واکنش به عمل تروریستی) فعال بوده است. ویلیام اس. کوهن وزیر دفاع، اخیراً طی گزارشی به کنگره آمریکا گفت: «در واکنش به فاجعه عربستان سعودی (بمب‌گذاری در پایگاه الخبر)، ستاد مشترک، گروه ویژه‌ای را برای مبارزه با تروریسم و زیر نظر مدیریت عملیاتی ستاد مشترک تشکیل داده است.» (۱۱)

چنان که در گفته‌های ویلیام اس. کوهن وزیر دفاع آمده است: «نیروهای مقابله‌کننده با تروریسم، پیشرفت کرده، آموزشهای گوناگون دیده و مدام در پی گسترش مهارت‌هایشان هستند. آنها به منظور افزایش هماهنگی و کارایی، مرتباً با همتایان خارجی‌شان تعلیم می‌بینند.» (۱۲)

در واکنش به موج اعمال تروریستی داخلی و خارجی اخیر، شمار زیادی از واحدهای ضدتروریستی در میان نمایندگان شرکتهای مختلف شکل گرفته‌اند. (۱۳) دفتر بازرسی فدرال، تیم حمایت اضطراری داخلی^۱ جدیدی تاسیس کرده است. وزارت خارجه هم، تیم حمایت اضطراری خارجی^۲ تشکیل داده است. خدمات بهداشت عمومی طرحی را برای گروههای تحقیق پزشکی

1- Domestic Emergency Support Team (DEST)

2- Foreign Emergency Support Team (FEST)

ساکن پایتخت^۱ برای صدها تن از شهروندان به وجود آورده است. وزارت نیرو از دهه ۱۹۷۰ گروه تحقیقی اضطراری هسته‌ای^۲ به منظور مقابله با تروریستهای هسته‌ای داشته و به زودی طرحی برای تشکیل تیم تحقیق فوریت‌های بیولوژیکی^۳ و تیم تحقیق فوریت‌های شیمیایی^۴ عرضه می‌دارد. ارتش ایالات متحده واحدهای حفاظت مجهز برای مقابله با حوادث بیوشیمی در خاک دیگر کشورها را در اختیار دارد؛ نظیر و قرینه آن نیز به تازگی در نیروی واکنش به حوادث بیوشیمی دریایی،^۵ تشکیل شده است.

۳. استفاده از سلاحهای هسته‌ای، بیولوژیکی و شیمیایی در میدان نبرد

رہیافت غیرمعارف دیگری که امکان دارد برای مقابله با ایالات متحده و متحدانش مورد استفاده قرار گیرد، سلاحهای هسته‌ای، بیولوژیکی و شیمیایی و سیستمهای پرتاب موشک می‌باشد. همان طوری که ژنرال کی. سوندراجی، رییس سابق ستاد ارتش هند نتیجه گرفته است، «تجربه طوفان صحرا با عدم استفاده از سلاحهای هسته‌ای برای ایالات متحده فضاقت بار نیست.» (۱۴)

چه چیزی می‌تواند رهبران دولتهای خودسر را به مجهز شدن به سلاحهای هسته‌ای، بیولوژیکی یا شیمیایی و ابزار پرتاب آنها اغوا کند؟ برای چنین رهبرانی، جنگ افزارهای هسته‌ای، بیولوژیکی و شیمیایی و وسایل موشکی چه کاربردی دارد؟

اگر کشوری مخالف نظارت بر استراتژیهای هسته‌ای، بیولوژیکی و شیمیایی بالقوه‌ای باشد، شناخت و اطلاع از وضعیت آن اهمیت دارد. کشوری که از سلاحهای هسته‌ای بیولوژیکی و شیمیایی استفاده می‌کند امکان دارد به سادگی از انتقال نیروی ایالات متحده به درون منطقه اشغال شده از طرف دولت متخاصمی که هم به صورت ضمنی و هم فعال تهدید بحساب می‌آید، ممانعت به عمل آورد. داشتن تسلیحات کشتار جمعی و ابزار آمادگی در کاربرد آنها می‌تواند رقیب را در موقعیت تحمیل خسارت اساسی بر ایالات متحده و متحدانش قرار دهد. تهدید به کارگیری یا کاربرد واقعی چنین سلاحهایی می‌تواند سبب اعتراض مردم ایالات متحده برای دوری جستن از چنین منازعه‌ای گردد که مهاجمان کاملاً به آن مجهزند و به حد کافی از آمریکا دور هستند. سران

-
- 1- Metropolitan Medical Strike Teams (MMSTs)
 - 2- Nuclear Emergency Search Team (NEST)
 - 3- Biological Emergency Search Team (BEST)
 - 4- Chemical Emergency Search Team (CEST)
 - 5- Chem - Bio Incident Response Force (CBIRF)

کشورهایی چون ایران، عراق، لیبی، سوریه یا کره شمالی امکان دارد در صدد غلبه بر ایالات متحده باشند. اما نه با تقابل مستقیم نظامی بلکه بیشتر از طریق نفوذ مؤثر در افکار عمومی آمریکا.

علاوه بر این، احتمال دارد که مخالفان مجهز به سلاحهای هستهای، بیولوژیکی و شیمیایی از این سلاحها همچون ابزاری جهت ناامید کردن متحدان بالقوه ایالات متحده از پیوستن به ائتلافهای منطقه‌ای رقیب، یا استمداد از چنین ائتلافی بهره‌برداری کنند. برای مثال، این یک واقعیت است که در خاورمیانه اکثر دولتها، تنها دارای یک، دو یا سه شهر اساسی هستند؛ از دست دادن هر یک از این شهرها، باعث از کار برکنار شدن حاکمان و از بین رفتن اقتصادشان می‌شود. تهدید شیمیایی، هستهای و بیولوژیکی هر یک از آنها، نمایانگر ورود در جنگی منطقه‌ای خواهد بود. برخورداری از سلاحهای هستهای، بیولوژیکی و شیمیایی امکان دارد رقبای آمریکایا را به این ریسک وادارد که نیروهای پیشقراول ایالات متحده را با استفاده از این سلاحهای کشتار جمعی نابود کنند. همچنین به کارگیری سلاحهای هستهای، بیولوژیکی و شیمیایی می‌تواند بندرها و پایگاههای مهم هوایی را از کار بیاندازد یا غیرقابل استفاده نماید و نیروهای کمکی ایالات متحده و هم پیمانانش را از ورود به منطقه بازدارد. سرانجام مخالفان دارای سلاحهای کشتار جمعی ممکن است جنگ افزارهای خود را در خلال نبرد، برای جلوگیری از باخت در بازی نهایی منازعه، ذخیره کنند.

طراحان نظامی ایالات متحده سعی در کنترل چنین استراتژیهای دشمن دارند و می‌خواهند اقدامات متقابل و مقتضی را برای خنثی کردن آنها در پیش گیرند؛ این اقدامات احتمالاً شامل برنامه ضد تکثیر کامل با موازین زیر خواهد بود:

* تکمیل و به کارگیری نیروهای تلافی‌جویانه پیشرفته، شامل توانایی حمله و تخریب موشکهای متحرک و ذخایر نهفته در اعماق زمین. این نیروهای تلافی‌جویانه باید قادر به توقیف، نابودسازی، تخریب، تلاشی، ممانعت، خلع سلاح و طرد استفاده کنندگان از سلاحهای کشتار جمعی در زمان جنگ یا هشدار علنی درباره حمله قریب‌الوقوع سلاحهای هستهای، بیولوژیکی و شیمیایی باشد.

* تکمیل و به کارگیری استحکامات متعارف پیشرفته و حفظ سلاحهای هستهای، بالا بردن توان حفاظت حمایت گسترده و بازدارندگی مطمئن.

* توسعه ابزارهای فنی و آگاهی و دانش انسانی جهت پی بردن به اهداف اصلی رقیب و ایجاد آگاهی در مورد اهداف، افکار و برنامه‌های رقبای جنگی آینده. شناخت دشمن برای شکست دادن آن با هزینه قابل قبول بسیار مهم می‌باشد؛ شناخت از جاهایی که سلاحهای کشتار جمعی در آن جا واقع شده است؛ اگر این قبیل اطلاعات، موجود باشد، حداقل می‌تواند قدرت تخریبی دشمن را محدود سازد.

* توسعه و به کارگیری امکانات متعارف هدایت شونده دوربرد و دقیق که به سمت مراکز پرتاب دور از دسترس هسته‌ای، بیولوژیکی و شیمیایی دشمن، هدف‌گیری شود و قادر به رسوخ موثر و خنثی کردن پدافند موشکی و هوایی دشمن باشد.

* توسعه و استقرار چندلایه‌ای موشکهای کروز و موشکهای تدافعی بالستیک برای تأمین امنیت و حفاظت نیروهای متحد در میدان نبرد.

* تکمیل و استقرار توان حفاظتی کارآمد در برابر واحدهای اصلی و نیروهای ویژه عملیات زمینی دشمن، تجهیز نیروهای ایالات متحده و متحدین با لوازم موج یاب هشدار دهنده سریع، به هنگام حملات شیمیایی یا بیولوژیکی. چنین موج‌یابی‌ای باید زمان کافی برای ایجاد پوشش حفاظتی و اتخاذ اقدام تدافعی، قبل از وارد شدن خسارت از طریق حملات شیمیایی و بیولوژیکی را در اختیار بگذارد.

* تدارک و استقرار تجهیزات دفاعی، آرایش نیروهای زنده و آموزش دیده ایالات متحده و متحدان در صحنه کارزار. این اقدامات شامل واکنش شدن در برابر عوامل مهلک شناخته شده بیولوژیکی و تدارک کافی پادزرها و داروها می‌باشد. باید تجهیزات حفاظتی کافی فردی و جمعی تدارک دیده شود. وسایل و ابزارهای دفع آلودگی در سطحی وسیع به منظور حفظ پایگاههای دریایی و هوایی حمل نظامیان باید طراحی و فراهم گردد.

* تدارک و گسیل مداوم و به موقع امکانات به منطقه نبرد، بدون این که از این امکانات نشانه و ردیابی جهت تخریب با سلاحهای کشتار جمعی دشمن همچین ابزار مورد استفاده در پایگاههای هوایی، هواپیماها، بنادر و کشتیها که در محیط آلوده به عوامل هسته‌ای، بیولوژیکی و شیمیایی به عملیات نظامی مشغولند باید پالوده شوند تا از آسیب‌پذیری پایگاههای دریایی و هوایی به مثابه عوامل مختل کننده عملیات^۱ در زمان جنگ جلوگیری شود.

* پیروی از «برنامه عملیات نظامی» که توزیع و تحرک نیروها و ابزارهای تدارکاتی را بهینه می‌کند تا هدف‌گیری دشمن دشوار شود. (۱۵)

احتمال دارد ایالات متحده و هم‌پیمانانش در قبال دشمنانی که از سلاح هسته‌ای استفاده می‌کنند دست به اقدام متقابل بزنند؛ اما اگر دشمنان آمریکا از سلاحهای بیولوژیکی و شیمیایی استفاده کنند چه واکنشی می‌تواند موثر باشد؟ این یک معضل و مسأله‌ای سیاسی است که تاکنون مورد مباحثه و مناقشه بوده است. آیا سیاست ایالات متحده در قبال کسانی که از سلاحهای کشتار جمعی (سلاحهای هسته‌ای) استفاده می‌کنند باید قاطعانه باشد؟ اگر رقیبی در شروع جنگ از

سلاحهای کشتار جمعی غیرهسته‌ای استفاده کند، در قبال آنها چه سیاستی باید در پیش گرفت؟ آیا ایالات متحده باید به مقابله با سلاحهای متعارف پیشرفته بپردازد، با علم به این که با تداوم جنگ متعارف به هر نحوی موفق می‌شود؟ اگر سلاحهای هسته‌ای مورد استفاده قرار گیرد ایالات متحده و متحدانش با چه هزینه و پیامدهایی، خواهان ادامه جنگ متعارف به خاطر رسیدن به اهداف بعد از جنگ می‌باشند؟ اینها همه مسائلی قابل مناقشه هستند.

مسأله دیگر جهت مقابله با استفاده کنندگان سلاحهای هسته‌ای، بیولوژیکی و شیمیایی این است که ایالات متحده و متحدانش، تا چه اندازه می‌توانند از نیروهای تلافی جویانه استفاده کنند. ممکن است مبارزهٔ تدافعی مونر، کشور خودسر را مجبور به استفاده از نیروهای هسته‌ای، بیولوژیکی و شیمیایی کند قبل از این که آن کشور، امکانات مخرب خود را با حملهٔ هوایی، موشکی و عملیات نیروهای ویژه ایالات متحده و متحدانش از دست بدهد. موضوع این است که تا چه زمانی، جنگ با یک دشمن مجهز به توان هسته‌ای، بیولوژیکی و شیمیایی ادامه می‌یابد.

آیا نیروهای متحد می‌توانند همه یا اکثر امکانات هسته‌ای، بیولوژیکی و شیمیایی دشمن را قبل از به کار بردن آنها، از بین ببرند؟ آیا نیروهای متحد با سرعت و کارایی زیاد می‌توانند دشمن را قبل از یورش خلع سلاح کنند؟ اگر جواب منفی است و اگر اقدامات نیروهای تلافی جو مؤثر نباشد و چنانچه اقدامات جمعی متحدان شدت یابد چه تضمینی وجود دارد که دشمن به جای این که این امکانات را از دست بدهد از سلاحهای کشتار جمعی استفاده نکند؟ در چه لحظه‌ای رهبر کشور خودسر اقدام به استفاده از سلاحهای هسته‌ای بیولوژیکی و شیمیایی می‌کند؟ دشمن در چه زمانی ۳۰ درصد، در چه زمانی ۵۰ درصد و چه زمانی ۷۰ درصد سلاحهای کشتار جمعی را از دست می‌دهد؟ نقطهٔ عطف یا نقطه شروع عملیات کجا قرار دارد؟ دشمن در چه شرایطی تصمیم به «استفاده» به جای دست کشیدن از سلاحهای کشتار جمعی باقی مانده می‌کند؟

اگر اقدامات نیروی تلافی جو با اعمال مؤثر و غیرفعال تصمیم به استفاده از سلاحهای کشتار جمعی را متوقف نکند، حملات تهاجمی متحدین دشمن را به استفاده از سلاحهای کشتار جمعی مجبور خواهد کرد. نیروهای ایالات متحده و متحدانش، غیرنظامیان و مراکز شهری که این نیروها در آن جا مستقرند، قربانیان احتمالی خواهند بود.

تجربه و سابقه‌ای که همه کارها را با نیروهای آفندی انجام داده باشد وجود ندارد. دفاع مؤثر به کنترل و عمل به آن چه که حمله نمی‌تواند انجام دهد بستگی دارد. ترکیبی از حمله و دفاع عالی به موقع در انهدام تسلیحات هسته‌ای، بیولوژیکی و شیمیایی دشمن ضروری است؛ اگر مبارزه علیه چنین دشمن مسلحی منجر به برد برابر با باخت شود، مبارزه بسیار پیچیده و خسته کننده خواهد بود.

۴. جنگ اطلاعاتی

استراتژی دیگری که ممکن است دشمن به منظور مقابله با برتریهای متعارف ایالات متحده و متحدانش اتخاذ کند فنون «جنگ اطلاعاتی»^۱ می باشد. امکان دارد دشمن با استفاده از ارتعاش ناشی از انفجارهای الکترومغناطیسی^۲ بر اثر سوزاندن مدارها، از بین بردن امتیازات بالقوه فضایی همچون ماهواره های ارتباطاتی، هواشناسی، تجهیزات موقعیت نما و ماهواره های هشدار دهنده سریع که ایالات متحده و متحدانش امکان استفاده از آنها را دارند بهره مند شده و به آمریکا ضربه بزند. همچنین امکان دارد ارتعاش ناشی از انفجار الکترومغناطیسی، امکانات اصلی هوایی، زمینی و دریایی ایالات متحده و متحدانش را از میدان به در کرده و سلطه و کنترل آمریکا را از بین ببرد. ممکن است دشمن با بهره گیری از فنون جنگ اطلاعاتی، به طور غیرمتعارف، مراکز غیردفاعی اما با اهمیت ایالات متحده و متحدانش، مثل بانکهای داده های اقتصادی، بازار بورس، اسناد مشترک، سیستمهای کنترل تردد هوایی، شبکه برق و مبادلات تلفنی را مورد حمله قرار دهد؛ در این جاست که اختلالگران و مزاحمان کامپیوتری، نقش عمده ای ایفا می کنند.

حمله همد جانبه به پایگاههای اطلاعاتی می تواند در برنامه کاربرد نیرو در زمان و مکان مناسب^۳ و طرح تحرک و انتقال نیروهای ایالات متحده اختلال ایجاد کند. با یک حمله اطلاعاتی علیه مرکز اصلی ارتباطات دفاعی امکان دارد سیستم انجام امور هوایی که از ایالات متحده به نیروهای هوایی ائتلافی در نواحی در حال جنگ مخابره می شود به تأخیر افتاده و تحریف یا نابود شود. امکان دارد دشمن با بروز جنگ اطلاعاتی قادر به اختلال در روش نبرد دیجیتال نیروهای ایالات متحده در آینده باشد. فارغ از همه توانایی های پیشرفته، اگر دشمنان اطلاعاتی مخفی باشند، مقابله با آنها به راحتی میسر نیست هر چند که نیروهای اطلاعاتی آمریکا دوره های آموزش مجدد را طی کنند.

ویلیام اس. کوهن وزیر دفاع توضیح داده است که وی از خطر بروز جنگ اطلاعاتی علیه نیروهای ایالات متحده و جامعه آمریکا آگاه بوده است. او توضیح می دهد که وزارت دفاع رهبری تشخیص آسیب پذیری بنیانهای اساسی ملی را بر عهده داشته است. (۱۶) در مارس ۱۹۹۵، مدیریت ویژه ای به منظور بررسی آسیب پذیرها و تعیین بهترین وسیله ایمنی در برابر جنگ اطلاعاتی شکل گرفته بود. (۱۷) در آگوست ۱۹۹۶، «گروه کاری حفاظت منابع حیاتی»^۴ به منظور بهبود در پاسداری از منابع اساسی ایالات متحده تأسیس گردید.

1- Information Warfare (IW)

2- Electro Megnetic Pulise (EMP)

3- US Time Phased Force Deployment List (TPFDL)

(OTPWG)

در سال ۱۹۶۰ آژانس ارتباطات دفاعی^۱ برای تقویت اقدامات ارتباطی وزارت دفاع ایجاد شد. چنان که [یکی از دست‌اندرکاران] شخصی به صورت خلاصه توضیح می‌دهد:

... عنوانش به آژانس دفاعی سیستم‌های اطلاعاتی^۲ تغییر یافت... آژانس مسؤزل تهیه پایگاه بی‌نظیر شبکه‌های ارتباطی، کامپیوتر، نرم‌افزار، پایگاه اطلاعاتی، بهره‌برداری، روند اطلاعاتی سازی و انتقال خواسته‌های استفاده‌کنندگان وزارت دفاع در مواقع صلح و بحران، ستازعه، پشتیبانی بشر دوستانه و نقشه‌های جنگی می‌باشد. هدف اصلی آژانس دفاعی سیستم‌های اطلاعاتی عبارتست از: پیش‌بینی و پاسخ به خواسته‌های مصرف‌کنندگان و رزمندگان از طریق اطلاع‌رسانی بی‌نظیر، سرناسری، منسجم و نوآورانه، که یک تصویر منطقی از میدان نبرد ارائه می‌کند. (۱۸)

آژانس دفاعی سیستم‌های اطلاعاتی برای انجام مأموریتش، طرح‌های حفاظتی، توزیع اطلاعات و ارتباطات با سرفرماندهان محلی را سرپرستی و اداره می‌کند؛ برای مثال اقدامات آژانس با برنامه برخی از سازمانها و برنامه‌های جدید وزارت دفاع که به منظور آمادگی نظامی دفاعی و تهاجمی صورت می‌گیرد و اخیراً در پایگاه نیروی هوایی کلی^۳ در سن آنتونیوی تگزاس شروع شده مطابقت دارد. این اقدامات شامل فرماندهی و کنترل ۲۰ مرکز جنگ اطلاعاتی نیروی هوایی ایالات متحده می‌باشد که در «تپه امنیتی»^۴ کلی استقرار یافته است. (۱۹)

۵. تخریب تأسیسات و امکانات فضایی

آخرین رهیافت غیرمتعارف، اطلاع در وابستگی ایالات متحده به سیستم‌های فضایی، جوان چشم‌استندیار^۵ و تضعیف یا تخریب امکانات پیشرفته سیستم فضایی خواهد بود. البته این گزینه در مقایسه با سلاح‌های هسته‌ای چندان خطرناک نیست. دشمن با دست زدن به کنترل فضایی، ابرقدرت جهان را به واکنش هسته‌ای واقعاً غیرمتعارف فرامی‌خواند؛ نباید اقدام دشمن را این‌گونه جواب داد.

تعریف کلاسیک از سیستم‌های فضایی بیانگر ترکیب نهایی آنها از سه جزء است: پایگاه و مرکز کنترل از زمین، ارتباط بین آنتنهای زمینی و آنتنهای موجود در مدار و خودماهواره. اندیشه استفاده از سیستم ضدهماهواره‌ای به منظور تخریب یا تضعیف ماهواره ایالات متحده، وسوسه برانگیز و سرشار از خطراتی همچون استفاده از سلاح‌های هسته‌ای می‌باشد.

1- Defence Communication Agency (DCA)

2- Defense Information Systems Agency (DISA)

3. Kelly

4. Security hill

۵. پاشنه آشیل (ویراستار)

این روش بهترین اقدامی خواهد بود که قادر به تخریب پایگاههای کنترلی، ردیابی و سنجش از راه دور است که محل آن در کشور ایالات متحده نیست بلکه در نزدیکی صحنه عملیاتی دشمن قرار دارد. این به معنای از کار انداختن پایگاه نیست بلکه متضمن از بین بردن داده‌های مفید در خلال دوران بحرانی یا سرقت داده‌های مناسب می‌باشد.

گزینه دیگری که هرگز بدان توجه کافی نشده، قطع ارتباط الکترونیکی بین آنتنهای مستقر در زمین و گیرنده‌های موجود در فضاپیماهاست. معمولاً دربارهٔ اختلال و اختلال‌گیری صحبت می‌شود. هرچند که بررسی و تشخیص منابعی که چنین اقداماتی را انجام می‌دهند آسان است اما انجام چنین کاری عملاً شرکت در جنگ می‌باشد. (۲۰)

برای استفاده از امکانات فضایی به منظور بالا بردن عملیات نظامی در آینده، بهترین گزینه دشمن آینده، حمله همزمان به همهٔ ساختمانهای مراکز دادوستد جهت دستیابی به اهداف فضایی / اطلاعاتی می‌باشد. سوی عملکرد وسایل هشدار دهندهٔ موشکی و مجموعهٔ علائم خبردهی، تقریباً می‌شود همهٔ اطلاعات فضایی مهم نظامی را در مراکز مبادلات اقتصادی به دست آورد. ایالات متحده از فضا به مثابه نیروی گسترده و متکثر به منظور برتری یک طرفه در منازعات استفاده می‌کند. امکان دارد مخالفان بتوانند برتری فضایی ایالات را با استفاده از سخت‌افزار و خدمات مراکز مبادلاتی کاهش داده و با خودشان هم سطح کنند. برای مثال تجهیزات ارتباطات ماهواره‌ای نظامی را می‌توان از طریق کنسرسیوم بین‌المللی اتلسات^۱ و ایریدیم^۲ تأمین کرد. (۲۱) وسایل مورد نیاز هدایت ناوبری را می‌توان از طریق خریدگیرنده‌های دومنظوره^۳ که هم می‌تواند از ماهوارهٔ موقعیت یاب جهانی ایالات متحده و هم از سیستمهای هدایتی ماهوارهٔ گلسناس^۴ روسیه استفاده کند. تهیه کرد. داده‌های هواشناسی معتبر از منابع چندگانه قابل دسترسی است و خدمات پرتاب را می‌توان از برخی کشورها و کمیانها خریداری کرد.

داده‌ها و تصاویر چندبعدی هم از طریق تهیه کنندگان اطلاعات مهم نظامی قابل دسترسی است. بنابراین تأکید بر امکانات فضایی تجاری در هر یک از جنگهای آینده با ایالات متحده وضعیت را بفرنج خواهد کرد و توانایی اعمال کنترل فضایی را هنگامی که سیستمهای فضایی متناسب با توان دولت مهاجم نباشد، تقلیل می‌دهد.

اگر کسی گفته تا فلز را بپذیرد که ثروت و دارایی روش جنگ را تعیین می‌کند، پس پیشنهاد این که هم جنگ فضایی و هم اطلاعاتی که هر دو از سیستمهای فضایی بهره‌مندند در آینده‌ای نزدیک

1. International Telecommunications Satellite organization (INTELSAT)

2. IRIDIUM

3. Dnal Usa

4. Global Navigation Satellite System (GLOSNASS)

واقعاً محتمل می‌باشد، توهم نخواهد بود. در حال حاضر ایالات متحده دارای امتیازات فضایی غیرمتعارف وسیعی است که این وضعیت در آستانه افول است، چون تعداد کشورهای دارنده امکانات فضایی، به سرعت افزایش می‌یابد.

نتیجه‌گیری

هر کدام از نیروهای مسلح ایالات متحده، ممکن است علیرغم سعی در اتخاذ مشی مشترک در عملیات، دیدگاهی متفاوت در زمینه مبارزه و پیروزی در نزاعهای آینده داشته باشند. همچنین پیش‌بینی می‌شود که از برنامه جامع ۲۰۱۰ فقط حمایت لفظی خواهد شد و این برنامه صرفاً به صورت کلی باقی خواهد ماند. در ضمن چنان‌چه بعضاً گفته شد، دشمن ما دارای اشکال جزئی و متفاوت خواهد بود.

موضوع این است که هنوز ایالات متحده و متحدانش کاملاً برای مقابله با استراتژیهای غیرمتعارف دشمن آماده نیستند. استراتژیهای دشمن در جنگ کم‌شدت، تروریسم دولتی، استفاده یا تهدید استفاده از سلاحهای کشتار جمعی، جنگ اطلاعاتی و تخریب امکانات فضایی ایالات متحده، به صورت بالقوه منازعه شدیدی را زمینه‌سازی می‌کند.

بدیهی است که باید برای مقابله با رقابتهای غیرمتعارف آتی، آماده بود، هرچند که رقبای اندکی خواهان شاخ به شاخ شدن با آمریکا هستند. پیش‌بینی می‌شود که رقبای ما از موفقیتهای ایالات متحده در جنگ متعارف در طوفان صحرا تجربه کرده باشند که بهترین وسیله مبارزه با ایالات متحده و شاید تنها وسیله مؤثر یکی از همین استراتژیهای غیرمتعارف می‌باشد.

از این‌رو، ضروری است که تلاش فراوانی برای آماده کردن ایالات متحده و متحدانش برضد منازعه بزرگ منطقه‌ای قریب‌الوقوع و رقابتهای غیرمتعارف که احتمال بیشتری برای ظهور و بروز دارد، صورت گیرد. برنامه جامع ۲۰۱۰ اگرچه دیدگاهی با طرح و نقشه‌های کافی، پیچیده و موثر است اما همواره مستلزم پیوستها و جرح و تعدیل‌های گسترده است. نوع، ابزار، قدرت و انگیزه دشمنان ما در آینده متفاوت خواهد بود، از این‌رو برای سرکوبی دشمنان و حفاظت از آمریکا، باید دقیق و همه‌جانبه عمل کرد.

یادداشتها

1. Clinton, William J. President Of the United States, *A National Security Strategy Of Engagement and Enlargement* Washington DC: US Government Printing Office, February 1996, PP. 1-45.
2. Ibid, p. 13.
3. Ibid, p. 14.
4. *US Air Forces Issues Book*, Washington DC: USAF, 1997, P. 18.
5. Ibid.
6. پس از اتمام جنگ خلیج فارس در سال ۱۹۹۱ تا ژوئن ۱۹۹۷، نیروی هوایی ایالات متحده بیش از ۲۸/۱۸۰۰ پرواز بر فراز مدار جنوبی انجام داده است. در سال ۱۹۹۷ بیش از ۶۰۰۰ پرسنل نیروی هوایی ایالات متحده به تبع این مأموریت‌ها به کار گرفته شدند. در سال ۱۹۹۶ پرواز نیروی هوایی ایالات متحده بر فراز مدار شمالی بیش از ۴/۵۰۰ مورد بود.
7. Chairman of The Joint Staff, *Joint Vision 2010 (JV2010)*, Washington DC: Department of Defense, 1996, p. 21.
8. این تسلط همه جانبه را برخی از اعضای رده بالای نظامی به منظور نیل به تفوق اطلاعاتی بر رقبای طراحی کرده‌اند.
9. سیاست فضایی ملی ایالات متحده، امور دفاع فضایی را به منظور توسعه، اقدام و حفظ توانایی کنترل فضایی انجام می‌دهد تا آزادی عمل فضایی آمریکا را تضمین کند.
- 10- See Jeffrey Mckittrick, James Blackwell, Fred Litt Lepage, Georgy Knaus, Richard Blanchfield and Dale Hill, "The Revolution in Military Affairs", in Barry R. Schneider and Lawrence E. Grinter, (eds), *Battle Field Of The Future: 21st Century Warfare Issues*, Maxwell AFB, Alabama: Air University Press, 1995, p. 65 - 98.
11. برنامه جامع ۲۰۱۰ احتیاج ارتش ایالات متحده به آمادگی بهتر جهت عملیات غیر جنگی را مشخص نمی‌کند که روز بروز موجب مشغولیت بیشتر ارتش باشد. طی دهه ۱۹۹۰ بین ۳۰ تا ۲۵ جنگ در نواحی مختلف جهان جنگ بوده است. اکثر این جنگها، جنگهای داخلی، مناقشات قومی و منازعات مرزی بوده‌اند. در دهه ۱۹۹۰ هیچ منازعه عمده بین‌الدول به غیر از جنگ خلیج فارس در ۹۱ - ۱۹۹۰ روی نداده است که در این جنگ، ائتلاف به رهبری ایالات متحده ارتش عراق را شکست داده و آن را مجبور به عقب‌نشینی از خاک کویت کرد. به هر حال در دهه ۱۹۹۰ نیروهای ایالات متحده،

غالباً مشغول عملیات نظامی متفاوت از جنگ بودند، از قبیل شرکت در عملیات نظامی صلح در بوسنی، هائیتی و سومالی. نیروهای ایالات متحده همچنین مشغول هدایت صلح تحمیلی در عراق بودند که اشتغال فضایی بر آن کشور ایجاد کرد. آمریکا ناحیه پرواز ممنوع در عراق را تقویت کرد و بازرسان IAEA و UNSCOM را در مأموریتشان جهت یافتن و تخریب برنامه‌های هسته‌ای، بیولوژیکی، شیمیایی و موشکی عراق مورد حمایت قرار داد. عملیات نظامی متفاوت از جنگ در برنامه جامع ۲۰۱۰ مشخص نشده است.

12. Cohen, Williams Secretary Of Defense, *Annual Report to The President And The Congress*, April 1997, Washington DC: US Department of Defense, 1997, p. 77.

13. Ibid, p. 18.

14. Kaplan, David E. "Everyone Gets into The Terrorism Game, Too Many SWAT Teams Speus Confusion, US News and World Report 17 November 1997, p. 32.

15. See quotation in Dean Wilkenling and Kenneth Watman Nuclear Deterrence in a Regional Context, *RAND Report*, Santa Monica: RANP Corporation, 1995, p. 33.

16. See Schneider, Barry R. *Summary and Conclusions: An Agenda For Defeating the Enemys Military Strategy*, in *Future War and Counter Proliferation: Military Responses to NBC Proliferation Threats*, New York: Prager Publishers, forth Coming in 1998.

17. Cohen, *Annul. Report To The President and the Congress*, p. 17.

18. Ibid.

19. *A Guide To the Defense Information Systems Agency*, Defense Near, Marketing Supplement (Fall 1997), p. 3.

۲۰. برای کسب اطلاعات بیشتر در مورد فرماندهی مشترک و مرکز کنترل جنگ رجوع کنید به:

Sword, Cyber The Professional Journal Of Information Operations, Vol.1, No.2 (Fall 1997), pp.1-51.

۲۱. INTELSTAT (سازمان بین‌الملل ارتباطات ماهواره‌ای از راه دور) کنسرسیومی بین‌المللی جهت هماهنگی ارتباطات ماهواره‌ای جهانی است که در سال ۱۹۶۴ به وجود آمد.